

گفت‌وگو با مجتبی فرآورده درباره چرایی نزدیک‌شدن به موضوعات سیاسی در آثار سینما

در هیچ دولتی نمی‌شد فیلم سیاسی ساخت



بهناز شیریانی؛ بدون شک باید پذیرفت که در شرایط رشد فزاینده تکنولوژی، هر روز باید از موضوعاتی صحبت کرد که در گذشته معنا و مفهوم خاص خود را داشته و این روزها کارگردشان را از دست داده‌اند یا به شکل دیگری پیش می‌روند. آثار سینمایی و تلویزیونی نیز سخت تحت تأثیر رشد هرروزه تکنولوژی است. در حضور پلتفرم‌هایی که هر روز به تعدادشان اضافه می‌شود، سینما و محصولاتش در تمام دنیا جایگاه دیگری پیدا کرده‌اند. عادت مخاطب برای دیدن محصولات فرهنگی، شکل و شمایل دیگری به خود گرفته و این موضوع بیش از پیش تولیدکنندگان آثار را به فکر چاره‌جویی انداخته است. در کشور ما هم این شرایط بی‌تأثیر نیست. هرچند فرایند درآمدزایی سینمای ما با دنیا قابل مقایسه نیست، اما شیوه و نگاه مخاطب پیگیر محصولات فرهنگی، بی‌شباهت به مخاطب سایر کشورها نیست. عادت گذشته مخاطب امروز سینما و تلویزیون ایران نیز به دلیل دسترسی آسان‌تر به پلتفرم‌های پخش فیلم، به لحاظ دسترسی به محصولات فرهنگی تغییر کرده است. ما به مجتبی فرآورده، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون، در همین زمینه به گفت‌وگو نشستیم. او مدتی قبل سریال «سوران» را روی آنتن شبکه یک سیما داشت که سرگذشت جوان کردی را در التهابات دهه ۵۰ منطقه کردستان به تصویر کشید و این سریال مخاطبان زیادی را با خود همراه کرد. با مجتبی فرآورده در ابتدا ارزیابی‌ای از تولیدات محصولات تلویزیونی داشتیم؛ اینکه آیا همچنان می‌توان به این مدیوم به لحاظ گستردگی مخاطب مثل گذشته نگاه کرد؟ بحث دیگر برداختن به موضوعات سیاسی و اجتماعی در سینما و تلویزیون بود؛ اینکه چرا تولید این آثار انگشت‌شمار بوده و بعد از ساخت هم بعضا تأثیرگذاری که باید را ندارند.

♦ مدت‌هاست درباره تغییر عادت مخاطبان سینما و تلویزیون بحث می‌شود. بسیاری معتقدند عدم تمایل مخاطب به حضور در سینما یا فاصله‌گرفتن او از تلویزیون به دلیل ازدیاد محصولات پلتفرم‌هایی است که اساسا در تمام دنیا فراگیر شده‌اند. از طرفی همچنان می‌توان

موردی را در سینما یا تلویزیون مثال زد که به شرط تولید محصول باکیفیت، مخاطب آن را پیگیری می‌کند. «سوران» روایتگر بخشی از تاریخ معاصر ماست و البته برداشتی تصویری از ادبیات که همین مسورد هم آن را متمایز می‌کند و برای مخاطب نیز جذابیت دارد. چرا تلویزیون را برای روایت این قصه انتخاب کردید؟

متأسفانه در سال‌های اخیر یکی از مواردی که از جامعه ایران رخت بریسته، انصاف است. این بی‌انصافی از حوزه سیاست آغاز شد و متأسفانه در تمام شئون زندگی ما حتی روابط خانوادگی و اجتماعی نیز خود را تحمیل کرد. در حوزه رسانه، سینما و تلویزیون هم این بی‌انصافی وجود دارد. مدت‌هاست این جمله «من که تلویزیون نمی‌بینم» مد شده است. چند هفته پیش یک بار برای که تلویزیون موضوع داد که در حال رکدرن کتاب‌های تلویزیون بود که آن برنامه را دیده، به‌رحال با بدگفتن از یک چیز آن مورد بد نمی‌شود و با خوب‌گفتن هم خوب نمی‌شود. تلویزیون در تمام دنیا به واسطه تنوع منابع عرضه دیداری، جایگاهش تغییر کرده و تضعیف شده است. واقعیت این است که بخش عمده‌ای از فضای رسانه‌ای تمام دنیا را پلتفرم‌ها و فضای مجازی پر کرده است. طبیعی است ما هم از آن ماجرا مستثنای نیستیم و تأثیرات آن در کشورمان می‌بینیم. مثل باقی نرفته‌اند؛ چراکه این روزها تمام اخبار و اطلاعات را می‌توان در شبکه‌های اجتماعی دنبال کرد. طبیعی است رسانه‌های جدید که به میدان می‌آیند، رسانه‌های انحصاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین مینا و قضاوت غلطی است تحت این عنوان که تصور کنیم تلویزیون تأثیر خودش را از دست داده است. اگر حقیقتاً معتقدند تلویزیون تأثیرش را از دست داده و کسی آن را نمی‌بیند، در کانون توجه قرارش ندهند، دیگر چه نیازی به این حد هجمه به تلویزیون است؟ رهایش کنند. درباره اقتباس برای ساخت سریال باید بگویم «سوران» از حوزه ادبیات وارد سریال شد. متأسفانه تاکنون ادبیات سهم اندکی در ساخته‌های سینمایی و سریال ما داشته است. بخش عمده‌ای از شکل‌گیری «سوران» مدیون کیناوش گلزار راغب نویسنده کتاب «عصرهای کریسکان» است. اگر تعامل بین نویسنده رمان و سازندگان اثر وجود نداشت، نتیجه مطلوبی هم حاصل نمی‌شد. البته که رویکرد ما تصویر بود و متفاوت از رمان عمل کردیم، اما خوشحالم که نگاه مثبتی به اقتباس در حال شکل‌گیری است و آن را به فال نیک می‌گیرم و امیدوارم این فضا رشد کند. بی‌تردید بهروای که از اقتباس در آثارمان می‌بریم، ارزنده است. یکی از قدرت‌های سینمای آمریکا به دلیل اقتباس‌های خوبی است که انجام می‌شود. فیلم‌نامه‌نویس مگر چقدر قدرت تخیل دارد که بتواند به تمام زوایای زندگی خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و… افراد تسلط بیابد تا شخصیت‌های قصه را پرورش بدهد؟ با اقتباس از ادبیات می‌توان شخصیت‌های داستانی را که مدت‌ها در ذهن نویسنده پرورش پیدا کرده، به زبان تصویر به روایتی دیگر پرورش داد و تکمیل کرد.

♦ اولین برخورد شما با رمان «عصرهای کریسکان» چطور بود؟ فکر می‌کردید بردگان تصویری آن برای مخاطب تلویزیون جذاب باشد؟
اواخر سال ۱۴۰۰ زمانی که حوزه هنری با من درباره این موضوع صحبت کرد، ابتدا فیلم‌نامه را خواندم. متن ابتدایی برای من نبود.

بعد رمان را خواندم؛ به این دلیل که بدون نگاه به کتاب می‌خواستم بضاعت فیلم‌نامه را ارزیابی کنم. بعد از خواندن رمان نسبت به ساخته‌شدن سریال شک نداشتم. اما فیلم‌نامه باید متناسب با رمان نوشته می‌شد. به نظرم یکی از نقاط مثبت سریال مدیون رمانی است که بسیار هنرمندانه نوشته شده است.

♦ البته در راستای صحبت‌های پیشین شما، فکر می‌کنم تا به امروز در سینماکم‌وبیش اقتباس‌های موفق‌تری داشته‌ایم و با اینکه تعدادشان خیلی زیاد نیست، اما به لحاظ کیفیت اکثر آنها آثار قابل قبولی هستند.
به نظرم اصلا این‌طور نیست. اساس موج نو سینمای پیش از انقلاب این بود که هنرمندانی همچون ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، بهرام بیضایی، مسعود کیمیایی و… در مقابل فیلمسازی قد علم کردند و به اقتباس روی آوردند و فیلم‌های ارزنده‌ای را تولید کردند. بعد از انقلاب عملا اقتباس تبدیل شد به اقتباس از وقایع اتفاقیه. به تعبیری سازنده اثر درباره وقایع اجتماعی و تاریخی زمانه خودش دست به تحقیق زد و اقتباس کرد و آن روایت را وارد عرصه تصویر کرد. تعداد هنرمندانی که در سینما مستقیم از رمان و کتاب اثری را اقتباس کردند، انگشت‌شمار است. در این سال‌ها، فارابی هم تلاش‌هایی در این عرصه کرد و کتاب‌هایی را به منظور تولید فیلم اقتباسی جمع‌آوری کرد. درصورتی‌که به نظرم این مأموریت فارابی نیست که تصمیم بگیرد از چه کتاب‌هایی اقتباس شود. نگاه سازنده اثر در این مورد حرف اول را می‌زند و او تشخیص می‌دهد چه چیزی برای کارش مؤثرتر است. کار ارزنده حوزه هنری این بود که گروهی تشکیل داد برای بررسی کتاب‌ها و رمان‌هایی که قابلیت اقتباس دارند؛ یعنی پیش از آنکه تصمیمی برای ساخت اثری تصویری از کتابی گرفته شود. عزیزانی هم‌چون حامد نورانی‌پاشی و احسان دادخواه کتاب‌های تولیدشده در حوزه هنری را یک‌به‌یک بررسی کردند و کتاب‌هایی را که قابلیت اقتباس داشته‌اند، برگزیدند و به تشخیص همان کارگروه، کتاب‌هایی که قابلیت اقتباس دارد مشخص و در مرحله بعد تبدیل به فیلم‌نامه می‌شود و در نهایت به تولید می‌رسد. برای اقتباس از روی یک کتاب، ابتدا یک کار کارشناسی انجام می‌شده است. متأسفانه تعداد اقتباسی سینما و تلویزیون این‌چنین زیاد نیست که بخش عمده آن مربوط به تقلید از موج نو فرانسه و نکره مؤلف بود که سینمای ایران را زمین‌گیر کرد و همه خواستند مؤلف شوند. به نظرم این رویکرد غلطی برای سینمای ما بود. در سینما پیش از ۱۰ حرفهٔ دست به دست هم می‌دهند تا اثری تصویری را تولید کنند؛ پس نمی‌توان به تألیف در سینما دل خوش کرد. در موسیقی نیز می‌توان ادعای مؤلف‌بودن کرد. تنها بخشی که می‌توان در آن مؤلف بود، حوزه ادبیات، شعر و رمان است. این رویکرد نکره مؤلف‌محوری و کارگردان‌محوری، جوی در سینمای ما ایجاد کرد که بسیاری تصور کردند اگر خودشان نویسنده، یعنی بی‌سواد هستند، همه می‌خواستند مؤلف باشند. فکر می‌کنم این رویکرد بالاترین ضربه را به سینمای ما زد و با وجود ادبیات غنی و شگرفی که در فرهنگ و تمدن ایرانی و دینی داریم، از ادبیات دور ماندیم.

♦ شما در روایت «سوران» علاوه بر نگاه به بخشی از تاریخ معاصر کشورمان، بخشی از حوادث سیاسی سال‌های دور را هم واکاوی کردید؛ خوانشی را که می‌توان از موضوعات سیاسی کشورمان داشت، چطور تعبیری کنید؟
تاریخ بسیار ارزنده است. امیرالمؤمنین در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه که به‌ظاهر برای امام حسن(ع) نگارش شده است، می‌فرماید: «سرگذشت پیشینیان را به‌گونه‌ای مطالعه کردم که گویی با آنها زیسته‌ام و چیزهایی را از آنها دریافت کردم و با تو در میان می‌گذارم تا در مسیر زندگی خود از آن بهره بگیری». این نگاه امیرالمؤمنین به تاریخ است. مضاف بر آن، قرآن هم مدام ما را به گذشتهگان ارجاع می‌دهد و می‌گوید از تاریخ گذشتهگان عبرت بگیریم. ما یک بار بیشتر زندگی نمی‌کنیم و نمی‌توانیم تمام تجربیات بشری را در عمر محدودمان درک کنیم؛ این تاریخ است که شیوه و رویکرد درست زندگی را به ما می‌آموزد. تاریخ سیاسی ایران قطعا بخش بسیار مهم و پراهمیتی دارد؛ به‌ویژه از اواخر قاجار تا به امروز؛ چون در این صد و اندی سال اخیر، دو نظام در کشور ما تغییر کرده است؛ نظام طایفه‌ای قاجار تبدیل به نظام کودتا و پادشاهی پهلوی شد و اگر وقت پیدا می‌کرد به نظام طایفه‌ای پهلوی هم تبدیل می‌شد و بعد از انقلاب اسلامی نیز نظام جمهوری اسلامی را تجربه کردیم.

طیعا بخش عمده‌ای از این تغییرات در حوزه سیاسی اتفاق افتاده است؛ جندرتین انیمیشن ساخته «هایانو میازاکی» انیماتور برجسته ژاپنی، هفتادویکمین جشنواره فیلم سن‌سباستین در کشور اسپانیا را افتتاح خواهد کرد. انیمیشن «پسر و مرغ ماهی‌خوار» دو هفته پس از اینکه در مراسم افتتاحیه جشنواره تورنتو به نمایش گذاشته می‌شود، در جشنواره فیلم سن‌سباستین مهم‌ترین جشنواره کشور اسپانیا نیز به‌عنوان فیلم افتتاحیه و در بخش غیررقابتی به نمایش گذاشته می‌شود. «میازاکی» نویسنده‌ی کارگردانی این انیمیشن را بر عهده داشته است و «پسر و مرغ ماهی‌خوار» نخستین فیلم بلند این فیلم‌سازی تحسین‌شده در سال ۱۰ گذشته محسوب می‌شود و تاحدودی بر اساس رمان «چگونه زندگی

«میازاکی» جشنواره سن‌سباستین را افتتاح می‌کند

می‌کنی؟»، نوشته «گنزابورویوشینو» در سال ۱۹۳۷ ساخته شده است. «پسر و مرغ ماهی‌خوار» از ۱۴ جولای در ژاپن اکران شد و در هفته اول اکرانش ۱۳.۲ میلیون دلار فروخت تا رکورد بزرگ‌ترین اکران نخست در تاریخ استودیو جیبلی را بشکند. این شرکت در اقدامی جسورانه این انیمیشن را بدون هیچ‌گونه تبلیغات، بازاریابی یا شرح داستان اکران کرد. «هایانو میازاکی» در طول دوران فعالیت خود تاکنون چندین بار اعلام بازنگستی کرده بود و در بیش از ۵۰ سال فعالیت هنری خود به موفقیت‌های فراوانی در حد «نیک پارک»، انیماتور کمپانی والت‌دیزنی دست یافته است و از مشهورترین و تأثیرگذارترین انیماتورهای تاریخ سینما محسوب می‌شود. «میازاکی» در سال

اما جنس این تغییرات از کف جامعه برآمده. مقاطع حساس و مهمی به لحاظ سیاسی را در کشور تجربه کردیم که باید به آنها پرداخت. در همین ۴۰-۵۰ سالی که از انقلاب گذشته، ریتم اتفاقات و وقایع حتی در جهان با دور تند جلو رفت. تغییر نظامات بسیار گسترده سیاسی در دنیا، سقوط کمونیسم، سقوط بلوک شرق، مرادوات جدید سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، تأسیس کشورهای مختلف، تغییرات اجتماعی گسترده، تغییرات پرشتاب تکنولوژی و… مواردی نیست که بتوان از آنها به‌راحتی گذشت. سال‌هاست اتفاقات سیاسی زیادی را در کشور تجربه می‌کنیم که به نظرم عمداً تکراری است. برخلاف چیزی که تافلر در کتاب خط سوم اشاره می‌کند که زمان خطی است، زمان دوار است. تاریخ مدام درحال تکرار است. به همین دلیل گذشتهٔ تاریخی ما ارزشمند است و باید به آن پرداخت. شرایطی که در ابتدای انقلاب در داخل کشور به وقوع پیوست، حائز اهمیت است. ما از آن دور نشدیم، در آن گذر کردیم. کم‌اینکه برخی از آن اتفاقات در حال تکرار است. برداختن به بخشی از تاریخ سیاسی کشورمان در جغرافیای کردستان به نظرم لازم بود. بخشی از جغرافیای ایران که هیچ سهمی در آثار تصویری ما ندارد و اگر کاری انجام شده عمداً دم‌دستی بوده است. معتقد ظلم بزرگی در حق مردم کرد شده است. کردها قدیمی‌ترین و ایرانی‌ترین قوم ایرانی هستند که در این سرزمین زیسته‌اند، پیش از آنکه هند و اروپایی‌ها به ایران مهاجرت کنند. اما عده‌ای قلدر و جانی‌پرهایوزمانی سخنگوی مردم کرد شده بودند و به‌گونه‌ای حرف می‌زدند که دیگران تصور می‌کردند هرکس کرد است، کومه‌ل و دموکرات و ضدانقلاب است و به دنبال تجزیه ایران است. درصورتی‌که این‌گونه نیست. کردها شریف‌ترین مردم کشور ما هستند و اگر کردستان در اتفاقات دوران ابتدای انقلاب و در این ۴۰ سال پایدار مانده به خاطر رشادت‌ها و از‌جان‌گذشگی‌های کردها بوده. «سوران» تلاش کرد بین مردم کرد و گروه‌های مزدور قلدماپ‌فاصله‌گذاری کند. اگر سریال به این موفقیت نائل شده باشد، وظیفه‌اش را درست انجام داده.

♦ برمی‌گردم به صحبت‌های خودتان. ما موضوعات سیاسی بسیاری را تا به امروز تجربه کردیم که بسیاری از آنها قابلیت تصویری شدن را دارد. اما آثار زیادی در این بخش نداریم. به نظر شما دلیلش چیست؟
قطعا دلیلش مدیران فرهنگی در تمام دولت‌ها هستند. جنایتی که منافقین پس از انقلاب انجام دادند جدا از کشتار و ترور ۱۷هزار نفر از افراد بی‌گناه، ایجاد فضای امنیتی بود که در کشور به وجود آوردند. وقتی در جامعه‌ای ترور شکل می‌گیرد و بمب‌گذاری می‌شود، نتیجه نرسیدیم. ابتدا مدیران فرهنگی است؛ صن هم قبول داریم تصمیم‌ساز می‌شوند و متأسفانه به دلیل فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه و طبیعتاً تلاش برای نفوذ و فعالیت آنها در داخل و اتفاقات پیرامونی آن که همیشه بوده، حتی برخی از مدیران فرهنگی ما هم رویکرد امنیتی داشته‌اند درصورتی‌که این دو حوزه ربطی به هم ندارند. پاشنه آشیل ما برای ساخته‌شدن آثار سیاسی در سینما و تلویزیون یک رویکرد مدیران فرهنگی است؛ من هم قبول دارم در برخی مواقع باید خیلی از چیزها را برای امنیت رها کرد و ندیده گرفت اما نه اینکه در سال‌های طولانی این روند ادامه یابد. این روزها نمی‌توان به‌راحتی مدیر فرهنگی کارآمد در کشور پیدا کرد. به محض اینکه یک اثر سیاسی در تلویزیون ساخته می‌شود، تماس‌های زیادی با رئیس سازمان صداوسیما گرفته می‌شود، مهم نیست این رئیس کیست. هر مدیری که می‌خواهد باشد، بنابراین نمی‌توان به‌راحتی سراغ موضوعات سیاسی رفت و باید به جاهای گوناگون جواب پرس داد. در سینما هم اگر خیلی خوش‌شانس باشید و از گیر هزارتوی ارشاد جان سالم به در ببرید و فیلم به تولید برسد، ارشاد هم توان این را ندارد که پشت اثری که مجوز تولیدش را داده بایستد. بلافاصله یک مجموعه اجرائی غیرمرتبط وسط می‌آید و از اکران فیلم جلوگیری می‌کند. درصورتی‌که قوت و غنای فرهنگی ما بیش از این ابتدایی‌ترین

سراغ موضوعات سیاسی رفت و باید به جاهای گوناگون جواب پرس داد. در سینما هم اگر خیلی خوش‌شانس باشید و از گیر هزارتوی ارشاد جان سالم به در ببرید و فیلم به تولید برسد، ارشاد هم توان این را ندارد که پشت اثری که مجوز تولیدش را داده بایستد. بلافاصله یک مجموعه اجرائی غیرمرتبط وسط می‌آید و از اکران فیلم جلوگیری می‌کند. درصورتی‌که قوت و غنای فرهنگی ما بیش از این ابتدایی‌ترین سراغ موضوعات سیاسی رفت و باید به جاهای گوناگون جواب پرس داد. در سینما هم اگر خیلی خوش‌شانس باشید و از گیر هزارتوی ارشاد جان سالم به در ببرید و فیلم به تولید برسد، ارشاد هم توان این را ندارد که پشت اثری که مجوز تولیدش را داده بایستد. بلافاصله یک مجموعه اجرائی غیرمرتبط وسط می‌آید و از اکران فیلم جلوگیری می‌کند. درصورتی‌که قوت و غنای فرهنگی ما بیش از این ابتدایی‌ترین سراغ موضوعات سیاسی رفت و باید به جاهای گوناگون جواب پرس داد. در سینما هم اگر خیلی خوش‌شانس باشید و از گیر هزارتوی ارشاد جان سالم به در ببرید و فیلم به تولید برسد، ارشاد هم توان این را ندارد که پشت اثری که مجوز تولیدش را داده بایستد. بلافاصله یک مجموعه اجرائی غیرمرتبط وسط می‌آید و از اکران فیلم جلوگیری می‌کند. درصورتی‌که قوت و غنای فرهنگی ما بیش از این ابتدایی‌ترین سراغ موضوعات سیاسی رفت و باید به جاهای گوناگون جواب پرس داد. در سینما هم اگر خیلی خوش‌شانس باشید و از گیر هزارتوی ارشاد جان سالم به در ببرید و فیلم به تولید برسد، ارشاد هم توان این را ندارد که پشت اثری که مجوز تولیدش را داده بایستد. بلافاصله یک مجموعه اجرائی غیرمرتبط وسط می‌آید و از اکران فیلم جلوگیری می‌کند. درصورتی‌که قوت و غنای فرهنگی ما بیش از این ابتدایی‌ترین



● عکس: سارا جلی‌فانی

می‌کنند و برایش خط‌ونشان می‌کشند! مگر حوزه فرهنگ فقط دست وزیر ارشاد است؟ فرهنگ کشور دست همه امور اجرائی هست جز وزارت ارشاد. وزارت ارشاد به فیلمی مجوز می‌دهد ولی نمایش داده نمی‌شود. وقتی اعتراض می‌شود، متوجه می‌شویم پای جای دیگری جز ارشاد در میان است. نه سازمان‌هایی هم‌عرض وزارت ارشاد بلکه سازمان‌های اجرائی می‌رط به مقوله فرهنگی و مجموعه ارشاد تصمیم‌گیرنده‌اند. تا رویکرد ما به فرهنگ تغییر نکند، اوضاع همین خواهد بود.

♦ فکر می‌کنم در این شرایط این وظیفه عمدتا بر عهده فیلم‌های اجتماعی گذاشته شده تا برخی موضوعات سیاسی را بازتاب دهند.

وقتی از نبود فیلم سیاسی در سینمای ایران حرف می‌زنیم، به این معنی نیست که ما تولیدکننده‌ها و خالقان آثار عاری از اشکال هستیم. در حوزه اجتماعی بالغ بر ۴۰-۵۰ فیلم ساخته شده است. اگر فکر کنیم شاید فقط ۱۰ تا فیلم خوب در این حوزه اسم ببریم. کارهایی تولید شده که جشنواره‌های دنیا را زیر پا گذاشته اما واقعا فیلم‌های خوبی بوده؛ در همین حوزه اجتماعی فیلم‌سازانی داریم که هم از حاکمیت پول می‌گیرند و هم بز اپوزیسیون را می‌دهند. به همین دلیل سینمای اجتماعی ما هم رشد نکرده. حجم فیلم‌هایی که در بر ضد قصاص در این کشور ساخته شده را ببینید، سر به فلک می‌زنند. در آمریکا که آزادترین سینما را دارد، یک فیلم ضد منافع ملی یا ضد خانواده و ضد پدر پیدا نمی‌کنید اما در کشور ما فیلم علیه خانواده و پدر و علیه تشکیل خانواده ساخته می‌شود. وقتی از تغییر رویکرد در حوزه فرهنگ حرف می‌زنیم، فقط به حاکمیت بر نمی‌گرد. تولیدکنندگان آثار هم باید تغییر رویکرد بدهند. باید یک‌بار با خود بیندیشند که دانش و علم و آگاهی من چه میزان است! بعد به عرصه‌ها ورود کنند.

♦ فکر می‌کنم سینما و تلویزیون مدت‌هاست به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان در تولیدات فرصت بیشتری به چهره کمتر دیده‌شده داد.

در «سوران» این اتفاق افتاد. از ابتدا چنین تصمیمی داشتید؟

باید در این مورد از فهم و درک مدیران حوزه هنری تشکر کنم. ابتدا قرار بود سریال با بازیگران چهره ساخته شود. سروش محمدزاده (کارگردان) با تعدادی از بازیگران صاحب‌نام تماس گرفت اما نپذیرفتند. دلایل زیادی دراین‌بین مطرح بود. برخی قرارداد داشتند زمان کاری‌مان هماهنگ نشد، برخی نمی‌خواستند با تلویزیون کار کنند، برخی از اینکه وارد روایتی از مقطع تاریخ انقلاب و کردستان شوند، واهمه داشتند و… بنابراین با بازیگرانی که ابتدا مد نظرمان بود، تولیدات تلویزیونی از بازیگران غیرچهره استفاده‌کند. این ابتدایی‌ترین رسالتی است که تلویزیون بر عهده دارد. نه اینکه بازیگران نام‌آشنا و حرفه‌ای را حذف کند بلکه باید حداقل در هر سریال چند بازیگر جدید به جامعه بازیگری معرفی کند.

♦ و فکر می‌کنم بخش‌های زیادی از «سوران» مدیون جلوه‌های بصری است.

مطلبی که درباره سوران در مطبوعات و فضای مجازی نوشته شد و نقاط قوتی که برای سریال ذکر شد به همه مقولات پرداخته شد جز یک بخش، تنها بخشی که خوشبختانه از چشم همه مغفول ماند، جلوه‌های بصری سریال بود. ما بالغ بر ۹۰۰ پلان VFX در سریال داشتیم که به قدری خوب اجرا شده بود که کسی آن را ندید. بخش عمده‌ای از ادوات نظامی، بخشی از انفجارات، عموم ماشین‌ها، زندان برده سور، فرار و رودخانه و بسیاری از صحنه‌های سریال هنرنمایی محمد برداردان بود که به غنای تصویری سریال افزود و ارمغانی شد برای سینمای ایران.

اخبار برگزیده

جلال شباهنگی در گذشت

ایسننا: جلال شباهنگی، هنرمند نقاش، طراح گرافیک و از اعضای پیوسته فرهنگستان هنر در ۸۸سالگی درگذشت.

جلال شباهنگی، هنرمند پیش‌کسوت طراح گرافیک، نقاش، مجسمه‌ساز و عضو پیوسته فرهنگستان هنر ۲۶ مرداد دار فانی را وداع گفت. او زاده ۲۴ آذر ۱۳۱۴ در تهران و از هنرمندان شناخته‌شده بود. این هنرمند فارغ‌التحصیل دانشگاه ایالتی سن‌خوزه در ایالت کالیفرنیای آمریکا بود و کارشناسی ارشد طراحی گرافیک و نقاشی معاصر و کارشناسی تبلیغات گرافیکی خود را نیز از این دانشگاه دریافت کرده بود.

صلحه مجازی حراج تهران از درگذشت این هنرمند خبر داده و فقدان او را به جامعه هنری تسلیت گفته است.

این هنرمند سال ۱۳۴۷ به عضویت هیئت‌علمی دانشکده هنرهای زیبا درآمده و در سال ۱۳۸۱ بازنشسته شده بود. او تجربه ۳۰ساله‌ای از تدریس به‌عنوان استاد و دانشیار در دانشگاه تهران و در دیگر دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنر داشت. این هنرمند علاوه بر فعالیت در زمینه نقاشی و گرفت، به ساخت حجم‌های شیشه‌ای معروف به Blowing Glass در ایران و مورانو ایتالیا نیز پرداخته بود و در این زمینه نیز شناخته‌شده بود.

انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران:

نه ساترا، نه ارشاد؛ لزوم تشکیل مرکز مستقل برای vodها

انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران با پیشنهاد انحلال ساترا، خواستار ایجاد مرکزی مستقل از صداوسیما و وزارت ارشاد اسلامی برای پلتفرم‌ها شد. متن بیانیه انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران به شرح زیر است: «متأسفانه شبکه وی‌اودی و نمایش خانگی کشور در شرایط بحرانی و بی‌پهچده‌ای قرار گرفته است. مجموعه ساترا تحت نظارت سازمان صداوسیما به تولیدات شبکه نمایش خانگی به‌عنوان رقیب تولیدات تلویزیون نگاه می‌کند و با ایجاد محدودیت، امکان تولید را از سینماگران مستقل سلب کرده است. از طرفی اراده‌ای معتقد به واگذاری آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. ازاین‌رو با توجه به افزایش تعداد پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی، انجمن تهیه‌کنندگان مستقل خواستار انحلال ساترا و تأسیس یک مرکز مستقل برای حمایت و بسترسازی مناسب برای شبکه نمایش خانگی و پلتفرم‌هاست و از هر پیشنهادی برای این امر در جهت تقویت و رونق نمایش خانگی کشور استقبال می‌کند.»

آثار ۶سینماگر ایرانی در جشنواره تورنتو

ایسننا: با تکمیل فهرست فیلم‌های جشنواره فیلم تورنتو، در مجموع آثار کوتاه و بلند شش سینماگر ایرانی در این رویداد سینمایی به نمایش گذاشته می‌شوند.

چهل‌وهشتمین جشنواره فیلم تورنتو از هفتم تا ۱۷ سپتامبر (۱۶ تا ۲۶ شهریور) در کانادا برگزار خواهد شد و طبق اعلام پیشین فیلم کوتاه «تاتانیک: نسخه مناسب برای خانواده‌های ایرانی» به نویسندگی و کارگردانی فروش صمدی، در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه جشنواره تورنتو پذیرفته شده و فیلم کوتاه «سرزمین مادری» ساخته یاسمین مظفری هم به‌عنوان محصول کانادا در این بخش به نمایش گذاشته می‌شود.

طبق اعلام سبنه‌ایران، همچنین دو فیلم بلند سینمایی، «آشیل» به کارگردانی فرهاد دل‌آرام محصول مشترک ایران، آلمان و فرانسه و «شیدای» ساخته نورا کیاکسری محصول استرالیا در کنار فیلم‌های کوتاه «شهاب» به کارگردانی عاطفه خادم‌الرضا محصول کانادا و «مست‌دل» از مریم تفکری و محصول ایران و انگلستان نیز در این رویداد سینمایی به روی پرده خواهند رفت.

کره جنوبی نماینده‌اش را به اسکار ۲۰۲۴ معرفی کرد

مهر: کره جنوبی فیلم اکشن– درام– فاجعه‌ای «آرمان شهر مهر بتنی» را به‌عنوان نماینده خود به رقابت بهترین فیلم بین‌المللی اسکار نودوششم فرستاد.

کره جنوبی که با «انگل» برنده جایزه بهترین فیلم بین‌المللی اسکار شد، اکنون «آرمان شهر بتنی» را به‌عنوان نماینده خود به رقابت امسال معرفی کرده است. این فیلم که دومین فیلم کارگردان ام تانه‌وا است، در سنوئی رخ می‌دهد که بر اثر زلزله‌ای عظیم ویران شده است. یک ساختمان در میان این خرابه‌ها به پناهگاهی برای ساکنانش بدل می‌شود، اما آنها باید کاری کنند که دیگران متوجه‌شان نشوند.

این فیلم ۹ اکتوس در سینماهای کره اکران شد و در هشت روز اول اکرانش ۱۶.۲ میلیون دلار فروش کرده است.

شورای فیلم کره (KOFIC) با معرفی این فیلم به اسکار گفت هدفشان از انتخاب امسال این بود که فیلمی در سطح جهانی با یک ستاره بزرگ را به این رقابت بفرستند. لی یونگ هسون که قبلاً در فیلم «چی.آی. جو: تلافی» و «قرمز ۲» و فیلم‌های برتر کره‌ای چون «سیطان را دیدم»، «عصر ماهی‌ها» و «یک زندگی تلخ و شیرین» بازی کرده، چهره‌ای شاخص برای این هدف بود.پیش از این تاجیکستان با «ملودی» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی بهروز سبط رسول به اسکار رفته بود و جلوتر از آن سوئیس به‌عنوان اولین کشور آغازکننده رقابت امسال، «تندر» اولین فیلم کارمن ژاکیر نویسنده و کارگردان را به آکادمی معرفی کرده بود. تمام آثار ارسالی برای شرکت در رقابت ۲۰۲۴ باید تا ساعت پنج بعدازظهر دوشنبه دوم اکتبر به آکادمی علوم و هنرهای تصاویر متحرک رسیده باشند. فیلم‌ها باید در فاصله یکم دسامبر ۲۰۲۲ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳ اکران شده باشند. اسامی فیلم‌ها وایافته به فهرست کوتاه شامل ۱۵ فیلم ۲۱ دسامبر اعلام خواهد شد و نامزدهای نهایی در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴ معرفی می‌شوند. نودوششمین دوره جوایز اسکار ۱۰ مارس ۲۰۲۴ برگزار می‌شود.